

درختان ایران؛ سرمایه‌ای در معرض نابودی

از آتش‌سوزی‌های گسترده تا تغییر کاربری اراضی و توسعه شهری، عوامل مختلفی جنگل‌ها و درختان ایران را تهدید می‌کنند؛ واقعیتی که اهمیت درختکاری و حفاظت از منابع طبیعی را دوچندان کرده است



بخش گسترده‌ای از ایران در پهنه اقلیم خشک و نیمه‌خشک قرار گرفته است؛ جایی که هر درخت نه صرفاً یک عنصر طبیعی، بلکه سرمایه‌ای حیاتی برای حفاظت از خاک، پایداری آب و سلامت هوا به شمار می‌رود. با این حال، آمارها حکایت از تداوم فشار بر جنگل‌ها و درختان شهری دارد؛ فشارهایی که از آتش‌سوزی و تغییر کاربری اراضی تا قطع درختان در مسیر توسعه شهری امتداد یافته است. در چنین شرایطی، روز درختکاری بیش از هر زمان دیگری یادآور ضرورت کاشت، صیانت و نگاه مسئولانه به منابع درختی کشور است. با وجود این، واقعیت تلخ آن است که هر سال بخش قابل توجهی از ذخایر درختی ایران از میان می‌رود. اکنون و در حالی که طرح کاشت یک میلیارد درخت در سال‌های اخیر به جریان افتاده، این پرسش اساسی مطرح است که آیا چنین برنامه‌هایی می‌توانند سدی در برابر روند فزاینده نابودی درختان ایجاد کنند؟

زندگ خطر برای جنگل‌های ایران

اسفندماه در حافظه جمعی ایرانیان با عطر بهار و نزدیکی نوروز پیوند خورده است؛ اما این ماه در تقویم رسمی کشور یادآور مناسبتی مهم در حوزه محیط زیست نیز هست: «روز درختکاری». پانزدهم اسفند به نام روز درختکاری و هفته پیرامون آن به عنوان «هفته منابع طبیعی» نامگذاری شده است؛ مناسبتی که هر ساله با کاشت نهال در شهرها و روستاها و تأکید مسئولان بر ضرورت گسترش فضای سبز همراه می‌شود. با این حال این آیین نمادین در شرایطی برگزار می‌شود که بسیاری از کارشناسان محیط زیست از فشارهای فزاینده بر پوشش جنگلی ایران سخن می‌گویند؛ فشارهایی که در سال‌های گذشته روند تخریب یا کاهش این سرمایه طبیعی را به یکی از دغدغه‌های جدی کشور بدل کرده است. در سال‌های اخیر کارشناسان محیط زیست

بارها هشدار داده‌اند که بیش از ۸۰ درصد از پوشش گیاهی و جنگل‌های ایران از میان رفته یا به‌شدت آسیب دیده است. حتی برخی بر این باورند که اگر روند کنونی ادامه یابد، تا سال ۲۰۵۰ بخش عمده منابع جنگلی کشور ممکن است به طور کامل از دست برود. چنین برآوردهایی زنگ هشدار جدی برای آینده محیط زیست ایران است و نشان می‌دهد حفاظت از درختان و منابع جنگلی نباید به یک روز یا یک هفته در تقویم محدود بماند. اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم بخش بزرگی از سرزمین ایران در کمربند خشک جهان قرار گرفته و هر درخت می‌تواند نقشی حیاتی در حفظ تعادل اکولوژیک ایفا کند؛ از مهار فرسایش خاک و جذب گازهای گلخانه‌ای گرفته تا تعدیل دما و بهبود کیفیت هوا. با این همه، از جنگل‌های کهن شمال کشور تا درختان قدیمی در بافت‌های شهری، نشانه‌هایی از کاهش این سرمایه طبیعی دیده می‌شود؛ واقعیتی که بار دیگر ضرورت کاشت و حفاظت از درختان را در کانون توجه کارشناسان قرار داده است.

جنگل‌های ایران در آینه آمار

در نگاه آماری، ایران از نظر میزان پوشش جنگلی در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان وضعیت چندان مطلوبی ندارد. بر پایه آمارهای رسمی، مساحت جنگل‌های کشور حدود ۱۰ تا ۱۱ میلیون هکتار برآورد می‌شود؛ رقمی که تنها نزدیک به ۷ درصد از مساحت سرزمین ایران را دربرمی‌گیرد. این جنگل‌ها عمدتاً در سه پهنه اصلی پراکنده‌اند: جنگل‌های هیرکانی در شمال کشور، جنگل‌های زاگرس در غرب و جنوب‌غرب و مجموعه‌ای از جنگل‌های پراکنده در مناطق مرکزی و جنوبی. در میان این رویشگاه‌ها، جنگل‌های هیرکانی که در امتداد سواحل دریای خزر گسترده شده‌اند، از کهن‌ترین جنگل‌های جهان به شمار می‌روند و قدمت

آنها به میلیون‌ها سال می‌رسد. این جنگل‌ها از منظر تنوع زیستی و ارزش‌های اکولوژیک اهمیت چشمگیری دارند و در سال‌های اخیر نیز در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده‌اند. محمود هوشیارفر، پژوهشگر و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی گیلان، در گفت‌وگو با خبرنگار مهر درباره اهمیت این جنگل‌ها می‌گوید: «جنگل‌های هیرکانی از مهم‌ترین منابع طبیعی در جهان به شمار می‌آیند و سهم قابل توجهی در میان انواع جنگل‌ها دارند. این جنگل‌ها همچون نوار سبزنگی در حاشیه دریای خزر گسترده شده و بخش وسیعی از شمال کشور را پوشانده‌اند. با این حال تنها حدود ۱۰ درصد از این جنگل‌ها تحت حفاظت سازمان محیط‌زیست قرار دارد. در این رویشگاه‌ها حدود ۸۰ گونه درختی و ۵۰ گونه درختچه‌ای به‌طور طبیعی یافت می‌شود، اما متأسفانه در سال‌های اخیر بخش‌هایی از این جنگل‌ها تخریب شده و برخی گونه‌های گیاهی و جانوری آن از میان رفته‌اند؛ چراکه قوانین و مقررات موجود به اندازه کافی توان حفاظت از این جنگل‌های در معرض تهدید را ندارند.»

در سوی دیگر، جنگل‌های زاگرس با درختان بلوط خود گستره وسیعی از غرب کشور را پوشش داده‌اند و نقشی اساسی در حفظ منابع آب و خاک ایفا می‌کنند. با وجود این اهمیت، گزارش‌های مختلف نشان می‌دهد که این جنگل‌ها نیز در دهه‌های اخیر تحت فشارهای متعددی قرار گرفته‌اند. برخی آمارها حاکی از آن است که در برخی سال‌ها ده‌ها هزار هکتار از جنگل‌های کشور بر اثر عواملی همچون آتش‌سوزی، تغییر کاربری اراضی و قطع درختان از میان می‌رود. کارشناسان منابع طبیعی تأکید می‌کنند که جنگل‌ها هرچند قابلیت احیا دارند، اما این فرایند بسیار زمان‌بر است؛ به گونه‌ای که تخریب یک جنگل ممکن است در زمانی کوتاه رخ دهد، اما بازسازی و احیای آن گاه به دهه‌ها زمان نیاز دارد.

جنگل‌های ایران زیر فشار انسان و اقلیم

در کنار آتش‌سوزی‌ها، تغییر کاربری اراضی نیز از مهم‌ترین عوامل تخریب جنگل‌ها به‌شمار می‌رود. در بسیاری از مناطق کشور، جنگل‌ها و مراتع به تدریج به زمین‌های کشاورزی، ویلاها یا پروژه‌های عمرانی تبدیل می‌شوند. این روند به‌ویژه در مناطقی که ارزش اقتصادی زمین بالاتر است، شدت بیشتری دارد. توسعه شهرها، احداث جاده‌ها و گسترش مناطق مسکونی در برخی موارد به نابودی بخش‌هایی از جنگل‌ها انجامیده است؛ روندی که به گفته کارشناسان محیط زیست می‌تواند در بلندمدت موجب کاهش مساحت جنگل‌ها و از میان رفتن تنوع زیستی شود. اگرچه بخش قابل توجهی از تخریب در عرصه‌های طبیعی رخ می‌دهد، اما درختان شهری نیز از این روند بی‌نصیب نمانده‌اند. در کلان‌شهرهایی مانند تهران، گسترش ساخت‌وساز در سال‌های گذشته باعث شده در موارد متعددی درختان قدیمی برای اجرای پروژه‌های ساختمانی قطع شوند. بر اساس برخی گزارش‌ها، طی دودهه گذشته بخش بزرگی از باغات شهر تهران از میان رفته و حتی در سال ۱۳۹۶ شورای اسلامی شهر تهران از نابودی حدود چهار هزار هکتار از باغات این شهر خبر داد. این روند در حالی ادامه دارد که هر ساله در مناسبت‌هایی مانند روز درختکاری، برنامه‌هایی برای کاشت نهال و گسترش فضای سبز برگزار می‌شود و از ایجاد کمربند سبز پیرامون شهرها سخن به میان می‌آید.

طرح یک میلیارد درخت

در دهه‌های اخیر، تغییرات اقلیمی به یکی از جدی‌ترین چالش‌های پیش‌روی جهان تبدیل شده است؛ پدیده‌ای که نشانه‌های آن را می‌توان در افزایش دمای زمین، کاهش میزان بارش‌ها و شدت گرفتن رخدادهای حدی آب‌وهوایی مشاهده کرد. در چنین شرایطی، جنگل‌ها و درختان بیش از هر زمان دیگری به عنوان سپری طبیعی در برابر پیامدهای تغییر اقلیم مورد توجه قرار گرفته‌اند. درختان با جذب دی‌اکسیدکربن و ذخیره آن در بافت‌های خود، یکی از مؤثرترین ابزارهای طبیعی برای کاهش گازهای گلخانه‌ای به‌شمار می‌روند. افزون بر این، جنگل‌ها با حفظ رطوبت خاک، جلوگیری از فرسایش زمین و کمک به پایداری چرخه آب، نقشی اساسی در حفاظت از منابع طبیعی ایفا می‌کنند. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که کاهش سطح جنگل‌ها می‌تواند به تشدید پدیده‌هایی چون خشکسالی، سیلاب‌های ناگهانی و افزایش گردوغبار بینجامد.

در سال‌های اخیر، برای تقویت پوشش گیاهی کشور برنامه‌هایی در دستور کار قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین این برنامه‌ها «طرح کاشت یک میلیارد درخت» است؛ طرحی که با هدف افزایش سطح جنگل‌ها و مقابله با روند بیابان‌زایی در کشور اجرا می‌شود. مسئولان سازمان منابع طبیعی اعلام کرده‌اند که در قالب این برنامه، طی چند سال آینده میلیاردها نهال در نقاط مختلف کشور کاشته خواهد شد. بخشی از این نهال‌ها در عرصه‌های طبیعی و بخشی دیگر در شهرها و روستاها کاشته می‌شوند. به گفته متولیان این طرح، افزایش سرانه فضای سبز، کاهش اثرات تغییر اقلیم و تقویت پوشش گیاهی از جمله اهداف اصلی اجرای آن به شمار می‌رود. در کنار این برنامه ملی، هر سال در هفته منابع طبیعی نیز میلیون‌ها نهال میان شهروندان توزیع می‌شود تا در مناطق مختلف کشور کاشته شود.

با این حال، برخی گزارش‌های کارشناسی بر وجود چالش‌ها و ابهام‌هایی در مسیر اجرای این طرح تأکید دارند. دفتر مطالعات زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی با عنوان «ملاحظات و الزامات اجرای طرح مردمی کاشت یک میلیارد درخت» با اشاره به تکالیف قانونی از جمله ماده (۱۵) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب سال ۱۳۸۹ و ماده (۲۴) قانون هوای پاک مصوب سال ۱۳۹۶ اعلام کرده است: «هرچند متولیان این طرح تلاش کرده‌اند با نگاهی کلان مراحل اجرایی، عرصه‌های اجرا، برآورد مالی و ساختار اجرایی آن را طراحی کنند، اما بررسی مستندات نشان می‌دهد ابهام‌هایی جدی در حوزه‌هایی همچون میزان هزینه‌های اجرایی، نحوه تأمین منابع مالی، تأمین آب مورد نیاز به‌ویژه در مناطق مرکزی و شرقی کشور و همچنین چگونگی جلب مشارکت مردمی، به‌ویژه در مرحله نگهداشت درختان، وجود دارد.»

در این گزارش همچنین تأکید شده است که موفقیت چنین طرح‌هایی تنها به ملاحظات فنی و زیست‌محیطی محدود نمی‌شود و نیازمند چارچوبی کارآمد از حکمرانی است. حکمرانی در طرح‌های درختکاری باید ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی را نیز دربرگیرد تا زمینه دستیابی به اهداف فراهم شود. بر اساس مطالعات جهانی، پنج مرحله شامل آغاز، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی و در نهایت پایداری، همراه با چهار عامل کلیدی شامل بازیگران، منابع، دانش و ابزارهای قانونی، از عناصر اساسی در طراحی چارچوب مطلوب حکمرانی برای چنین طرح‌هایی به شمار می‌روند.

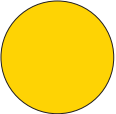
ضرورت پاسداری از درختان

با وجود اجرای طرح‌های گسترده درختکاری، بسیاری از کارشناسان بر این نکته تأکید می‌کنند که کاشت نهال به‌تنهایی راه‌حل نهایی بحران‌های زیست‌محیطی نیست. آنچه اهمیتی بنیادین دارد، حفاظت از درختان موجود و مدیری رسمی نیست؛ مشارکت شهروندان، جوان برای تبدیل شدن به درختانی استوار، نیازمند سال‌ها مراقبت و نگهداشت‌اند؛ بی‌توجهی به این مرحله، می‌تواند بخش بزرگی از تلاش‌های درختکاری را بی‌ثمر سازد. روز درختکاری اگرچه در تقویم تنها یک مناسبت است، اما در حقیقت یادآور مسئولیتی جمعی در قبال طبیعت به شمار می‌رود. پاسداری از درختان تنها وظیفه دولت و نهادهای رسمی نیست؛ مشارکت شهروندان، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی نیز نقشی تعیین‌کننده دارد. زیرا تداوم تخریب جنگل‌ها می‌تواند به فرسایش خاک، کاهش منابع آب و گسترش بیابان‌ها بینجامد؛ درختان در حقیقت ستون‌های پنهان تعادل زیست‌بوم کشورند.

جامعه

یادداشت

O P I N I O N



محمدابراهیم ترقی‌نژاد

فعال محیط زیست

درختان تهران بی‌صدا کم می‌شوند

روز درختکاری در تقویم رسمی کشور، بیش از آنکه یک آیین نمادین باشد، یادآور ضرورتی حیاتی برای زیست شهری است؛ ضرورتی که در کلانشهری چون تهران معنایی دوچندان می‌یابد. در شهری که سال‌هاست زیر سایه سنگین آلودگی هوا، توسعه شتاب‌زده و فشارهای اقلیمی نفس می‌کشد، هر درخت نه صرفاً بخشی از فضای سبز، بلکه عنصری حیاتی برای تداوم زندگی شهری است. با این حال، واقعیت تلخ آن است که هم‌زمان با برگزاری آیین‌های نمادین درختکاری، تیغ توسعه نامتوازن شهری و ساخت‌وسازهای بی‌ضابطه همچنان بر پیکره درختان کهنسال و باغات قدیمی فرود می‌آید. این دوگانگی آشکار، پرسشی جدی پیش‌روی مدیریت شهری و افکار عمومی قرار می‌دهد: آیا روز درختکاری تنها یک مناسبت تقویمی است یا نشانه‌ای از مسئولیتی که باید در تمام طول سال جدی گرفته شود؟

درختان برای تهران تنها یک عنصر زیبایی‌شناختی یا فضای سبز تزئینی نیستند؛ آنها ریه‌های تنفسی شهری‌اند که بیش از ۹ میلیون نفر در آن زندگی می‌کنند. در شرایطی که بخش بزرگی از روزهای سال با آلودگی هوا و افزایش غلظت آلاینده‌ها همراه است، درختان با جذب دی‌اکسیدکربن و مونوکسیدکربن و آزادسازی اکسیژن، نقشی حیاتی در بهبود کیفیت هوا ایفا می‌کنند. افزون بر این، برگ‌ها و شاخسار درختان به‌عنوان تله‌های طبیعی گردوغبار و ذرات معلق عمل می‌کنند؛ دراتی که سهم مهمی در بروز بیماری‌های قلبی و تنفسی شهروندان دارند. از این منظر، قطع هر درخت تنومند در واقع حذف یک سامانه طبیعی تصفیه هواست؛ سامانه‌ای که جایگزینی آن با هیچ زیرساخت مصنوعی به سادگی ممکن نیست.

در کنار مسئله آلودگی هوا، واقعیت اقلیمی ایران نیز بر اهمیت مدیریت علمی فضای سبز شهری می‌افزاید. فلات مرکزی ایران با بحران کم‌آبی دست‌وپنجه نرم می‌کند و تهران نیز از این قاعده مستثنا نیست. در چنین شرایطی، ادامه الگوهای سنتی درختکاری دیگر پاسخگوی نیازهای امروز نیست. کاشت گونه‌های پرمصرف و آب‌دوست، بدون توجه به محدودیت منابع آبی، نه تنها پایدار نیست بلکه می‌تواند به اتلاف منابع بینجامد.

ضعف نظارت و پاسخگویی در قبال قطع درختان، یکی از جدی‌ترین نگرانی‌های محیط‌زیستی شهرهای بزرگ به‌ویژه تهران است. در سال‌های اخیر بارها دیده شده که درختان کهنسال نه به دلیل بیماری یا خطر سقوط، بلکه در مسیر پروژه‌های عمرانی و ساخت‌وسازها از میان رفته‌اند. در چنین شرایطی، بسنده کردن به جریمه یا وعده کاشت چند نهال جایگزین، نه جبران خسارت است و نه پاسخی درخور به مسئله‌ای پیچیده و زیست‌محیطی. درختی که طی دهه‌ها رشد کرده، مجموعه‌ای از کارکردهای اکولوژیک و حتی فرهنگی را در خود نهفته دارد؛ کارکردهایی که یک نهال تازه سال‌ها زمان می‌خواهد تا به آن نزدیک شود. از این‌رو، روز درختکاری زمانی معنا می‌یابد که حفاظت از درختان موجود به اولویت مدیریت شهری بدل شود؛ چراکه نفس تهران به تداوم همین سرمایه‌های سبز وابسته است.